

در جنبش آزادیخواهانه مردم ایران، مردم به طرز حماسی تابوی ترس و سکوت را در هم شکستند و نقطه عطفی در تاریخ مبارزات معاصر ایران پدید آوردند!

ناهید بهمنی، از سالهای اواخر دهه ۵۰ شمسی به فعالیت‌های سیاسی راه یافت. وی از مبارزان عرصه جنبش زنان و یکی از بنیان گزاران اتحادیه های زنان در شهرهای کردستان پس از سرنگونی رژیم سلطنتی است. بعد از قیام با کومه‌له و سیاستهای این سازمان آشنا شد و قریب سه دهه است که در صفوف این سازمان در مسئولیت های مختلف به فعالیت سیاسی مشغول است. خانم بهمنی یکی از بنیان گذاران و اعضای تشکل "حقوق زن کرد، حقوق بشر"، یکی از سازمانهای فعال زنان کرد در خارج کشور است. ناهید بهمنی عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کومه‌له کردستان ایران است، نماینده کومه له در "کنگره ملیت‌های ایران فدرال" است و به عنوان یک تلاشگر مدافع حقوق بشر نیز با مراجع و بنیادهایی در زمینه امور حقوق بشر در کشور انگلستان فعالیت می‌کند. در این گفتگوی روانیوز خانم بهمنی به سوالاتی در باره جنبش سبز و جنبش زنان در طول حیات جمهوری اسلامی و همچنین جنبش زنان کردستان پاسخ داده است که متن مصاحبه به شرح ذیل می باشد:



محمد محمدی: با توجه به اتفاقات دو ماه گذشته در ایران تحلیل شما در باره اتفاقات و جنبش آزادیخواهی ملت‌های ایران چیست؟

ناهید بهمنی: همه می دانیم که دنیا در چند ماه گذشته شاهد یکی از حماسی ترین و تاریخ سازترین جنبش آزادیخواهی جامعه ایران بود. صدای اعتراض‌های فرو خفته سه دهه مملو از ستم و بی‌عدالتی، مردم به جان آمده را این بار به دلیل به سرعت رفتن آرای انتخاباتی شان به صحنه خیابانها راند ولی در ادامه و گسترش این مبارزات مردم به طرز حماسی تابوی ترس و سکوت را در هم شکستند و نقطه عطفی در تاریخ مبارزات معاصر ایران پدید آوردند. تصورم این است که این موج برخاسته اگر چه فراز و فرودهایی خواهد داشت اما برگشت‌اش به شرایطی آرام و چشم به راه غیر ممکن است. آسودگی این موج مردن آزادی را موجب خواهد شد.

س: تحلیل شما در باره جایگاه زنان در جنبش اخیر و همچنین آینده جنبش زنان چیست؟

بهمنی: من فکر می کنم که این جنبش و نهضت آزادیخواهی اخیر از این لحاظ هم یعنی میزان شرکت زنان و پشتیبانی جنبش فمینیستی از این اعتراضات در نوع خود بی نظیر بود. در همان روزهای اول کشاکش خدای استبداد با ناخدای آزادی "ندا" به نماد این آزادیخواهی راستین تبدیل شد. دهها و صدها زن مبارز و روشنفکر به زندانهای مخوف این رژیم فرستاده شدند و مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند. جالب آنکه این نیروی اجتماعی با همان متانت و سنجیدگی طول سه دهه قبل شرایط و مسائل را تحلیل کرد. خود را نباخت، احساساتی نشد و با تاکید بر خواست و مطالبات بر حقش در میدان این جنبش عمومی به پشتیبانی آمد. سازمان زنان ما "حقوق زن کرد، حقوق بشر" با دادن اطلاعاتی در پشتیبانی از نهضت این زنان و مطالبه آزادی زندانیان دربند ضرورت وجود همبستگی جنبش زنان ایران را دگر بار اعلام کرد.

س: در گذشته جنبش ها همیشه از شهرهای کوچک شروع می شد و به مراکز می رسید، در جنبش اخیر برعکس بود و حمایت اکثریت شهرستانها را هم نداشت، چرا؟

بهمنی: همانگونه که آگاه هستید حرکت اعتراضی چند ماه گذشته بر مبنای نارضایتی از نتایج به تاراج برده آرای مردم در انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفت و پایتخت عرصه اول پژواک این نارضایتی بود. بعلاوه که بخشی از کارگردانان رژیم در مرکز، در ادارات و مسئولیت های گوناگون، در این کشمکش در جناح مخالف کودتاگران قرار داشتند، از تهران ندای مخالفت سر دادند. مزید بر آن حمایت گسترده جنبش های دانشجویی و زنان از این اعتراض بود که عمدتا در تهران به عنوان مبارزین خیابانی در میدان بوده‌اند. ضمنا این که حتا تهران هم از همان آغاز تنها نبود، اگر چه نه چندان چشمگیر اما حمایت های شیراز، اصفهان و مشهد و مناطقی دیگر را هم با خود داشت. بعلاوه که هر جنبشی با توجه به نوع مطالبه و دامنه چشم‌اندازهایش می تواند حیطه معینی از انعکاس و بعد حمایت را با خود در ابتدا داشته باشد، بخصوص که در یک سیستم دیکتاتوری و توتالیتر این سیر معمولا تدریجی تر است. همه بیاد داریم که چه سریع به محض شروع اعتراضات در تهران و شیراز، کردستان را بیش از پیش از پیش میلیتاریزه کردند و راه را بر هر جنب و جوشی بستند. اما همگی شاهدیم که همین درجه از پژواک ندای مردم به ستوه آمده چگونه ابعاد و مرزهای سرزمین بیداد را در نوردید و مدت چند ماه اخبار مبارزات مردم ایران سرلوحه خبر و تفسیر رسانه های جهان و مراکز خبری خارج کشور بود.

س: نقش کردستان در جنبش اخیر را چگونه می بینید؟

بهمنی: کردستان در امر شرکت در انتخابات ریاست جمهوری این بار هم فعال در شرکت نکردن بود و علیرغم کلیه توهماتی که در مورد وجوه متفاوت بودن این انتخابات اشاعه داده شد، مردم کرد اصل تحریم را پیگیری کردند. با توجه به این امر نتیجه انتخابات و دست‌اندازیهای جناح احمدی نژاد بر نتایج آرا که انگیزه اصلی در اعتراضات اخیر بود، تا حدی برایش محرز بود، زیرا که انتخابات واقعی و دقیق در این سیستم هیچگاه وجود نداشته است. لذا به باور من این بی میلی و بی تفاوتی نسبت به کل پروسه انتخابات از طرف مردم کرد که تا زگی هم نداشت، موردی و موجبی در کردستان برای اعتراضی به گستردگی تهران و شیراز ایجاد نکرد. مردم کرد رای ندادند و اعتراضی هم نداشتند. سه دهه، هر روز و هر دم مبارزه بی امان مردم این سرزمین که مداوما با سرکوب سیستماتیک و خانمان برانداز این رژیم جواب گرفته است، علیرغم عادلانه بودن خواسته‌های مردم کردستان و نیز علیرغم اینکه این دیار کمابیش به سنگر حفظ دست‌آوردهای آزادیخواهانه در مقیاس ایران تبدیل شده بود اما کمتر موردی حمایت مردم سایر بخش‌های ایران به این بی‌حقوقی و مبارزه این مردم جلب شده است. شهرهای کردستان و شهروندان این سامان به دلیل تبعیض ملی و سرکوب مداوم ناشی از این بلیه، مدتهاست که سیاست به بخشی از زندگی روزمره شان بدل شده است و اتفاقا در اغلب موارد هم به یاری مبارزه و حتا نجات جان دیگر شهروندان ایرانی شتافته‌اند. شاید این بار این سکوت خود دلیلی بر در حاشیه قرار گرفتن شان بود. تاکتیکی برای عطف به یک کمبود و بی توجهی مهلک سیاسی. مطمئنا مردم کرد با دستاوردهای اجتماعی و سیاسی ناشی از سه دهه اخیر مبارزه شان نقش موثری در تحولات آینده جامعه ایران و در امر پایه گذاری دموکراسی و عدالت ایفا خواهند کرد.

س: در دادگاه نمایشی رژیم در روزهای اخیر عمده ترین جنبش‌های مدنی در سالهای اخیر مورد اتهام قرار گرفتند. بخصوص فعالیت مسالمت آمیز زنان. آیا این اتمام حجت رژیم با نیروهای برابری خواه و آزادیخواه جامعه نیست برای یک دست کردن جامعه؟

بهمنی: به هیچ وجه، زنان و یا هر نیروی آزادیخواهی که در طول ۳۰ سال گذشته به نحوی از انحا در مقابل وضع موجود و قانونمندیهای نا انسانی این وضع قد علم کرده باشد به اشد مجازات رسیده و در این راه به دادگاههای فرمایشی اینچنین ناعادلانه هم راه یافته است. این پدیده جدیدی نیست. جامعه ای با این درجه از آگاهی و علم به تغییر و نیز این حد از رشد فرهنگ انسانی مطمئنا برای به رسمیت شناختن و تقویت کردن افکار و آرای متنوع و در عین حال ایجاد کردن شرایطی برای نشو و نما و رشد "دگرگونی" و "دگراندیشی" همچنان تلاش خواهد کرد. تمام دعوا بر سر "یکدست" نشدن است و نه برعکس. بدون شک جامعه قرن ۲۱ بستر "یکدست" کردن‌ها، آنهم از این نوعش نخواهد بود.

س: مبارزات زنان در ۳۰ سال اخیر فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. سالهای اول مبارزه باحجاب اجباری و رسیدن به خواسته‌هایی بود که زنان برایش انقلاب کرده بودند. چه شد که زنان تنها ماندند و حتا تظاهرات ۸ مارس سال ۱۳۵۷ آنها به عنوان نقطه پایان فعالیت توده ای آنها شد و از آن زمان تا سالهای اخیر حرکت چشمگیری از آنها دیده نشد؟

بهمنی: طی کردن فراز و نشیب از خصایص بارز هر جنبش توده ای است و مسلما مبارزه طولانی زنان ایران هم در مسیر خود از این قاعده کلی مستثنا نبوده است. بله مبارزه زنان علیه صدور قانون حجاب اجباری در ۵۷ موفق نشد، چرا که بقیه طیف‌های اجتماعی و مشخصا سازمانهای سیاسی آن زمان که از حیث نفوذ اجتماعی هم کم اثر نبودند، از این خواست دفاع نکردند و اصولا طرح آن را از جانب زنان یک امر حاشیه ای و بی ربط به بقیه خواسته‌های اجتماعی تلقی کردند. متاسفانه افکار عمومی رایج در درون این جریانات و خطوط سیاسی مسلط با "تضاد اصلی" مبارزات "ضد امپریالیستی" چنان درگیر شده بود که امری اینچنینی را "فرعی" و طرح آن را مانعی بر سر راه پیشبرد مبارزه اول می دانست و با این حربه نه تنها مسئله زنان بلکه بسیاری از وجوه مبارزه اجتماعی کم بها تلقی شد. مخصوصا که خواستی چون مبارزه با حجاب اجباری گرایشات مردسالارانه و "تشیعیسم" را هم علیه خود بسیج می‌کرد. متاسفانه جریانات چپ هم در ناآگاهی مطلق نسبت به پیامدهای دیرپا و نقش سیاسی این مسئله به سر می‌پردند. در چنین حالتی نه تنها زمینه برای رواج و جاانداختن قانون حجاب اجباری بلکه بقیه مصوبات زن ستیز هم فراهم گردید و حرکت‌های آزادیخواهانه زنان و جنبش‌شان تا سالها بعد در تک صدایی بود. اما هیچگاه، اگرچه نه در شکل وسیع و همه گیر، مبارزه با "بدحجابی" و تحمیل سرکوبگرانه پوشش متوقف نشد و زنان از هر فرصتی برای این نوع مبارزه استفاده کردند. و در دوره بعد تر این صداهای فرو خفته بسیار رساتر فریاد زده شد. در کردستان وضع به گونه ای دیگر بود. به باور من حجاب به آن نوع قانونی و اعلام شده اش هیچگاه بر سر زن کرد نرفت، زیرا که اساسا با فرهنگ پوششی، آداب اجتماعی اش و حتا فرهنگ مذهبی اش جور در نمی آمد. از نظر دیگر وجوه مبارزه فمینیستی هم در کردستان باز شرایط فرق می‌کرد. درست در بجنوبه تحمیل حجاب در دیگر شهرهای ایران و تدوین و تحمیل این قانون که جزو اولین احکام شرعی در مورد زنان بود، زنان کردستان در یک دوره شکوفایی و خودآگاهی اجتماعی و جنسیتی به سر می‌پردند. با اتوریته ترین سازمانها و تشکیلاتهای زنان در این اوان در کردستان بر پا گردیدند. در این دوره بود که زنان و دختران در مقرهای حفاظت شهرها که "بنکه" نامیده می شدند به آموزش‌های سیاسی و نظامی مشغول شدند. در این زمان بود که یورش نیروهای حکومت مذهبی تازه به قدرت رسیده به کردستان با مقاومت و مقابله وسیع نیروی زنان مبارز از هر قشر اجتماعی و نیروی سیاسی روبرو می‌شد. اتفاقا این روی آوری همگانی زنان به جنبه‌های مختلف مبارزه اجتماعی راه را همزمان برای یک خودآگاهی عمومی آنان هموار کرد و امروز، همراه با مجموعه‌ای از دیگر دلایل اجتماعی و غیره، ما با وجود نیروی زنانی توانمند، آگاه و بانفوذ در زمینه‌های ادبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری و... روبرویم. انقلاب ۵۷ در این ره نقطه عطفی در کل پروسه خودآگاهی زنان در مقیاس ایران بود. در فرصت‌های مناسبی می‌توان در این مورد نوشت و صحبت کرد.

س: به باور بیشتر فعالان زن، زنان ایران تا سالهای آخر زمامداری رفسنجانی در مقام ریاست جمهوری هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ آموزشی خود را پرورش دادند و مدارج علمی را طی کردند. و با توجه به موقعیت‌هایی که پیش آمد به سطوح بالای مدیریت کشور وارد شدند، نظر شما در این باره چیست؟

بهمنی: پویایی انقلاب به طور کلی زنان را بیش از گذشته به میدان آورد. این برهه اگر چه در واقع از لحاظ تلاشهای سیاسی و اجتماعی دوره راکدی برای جنبش زنان به شمار می‌رود، اما از نظر رشد تحصیلی و کسب مدارج عالی و تخصصی شرایطی را برای شکوفایی حاصل

گردانید. خانه‌نشینی و محرومیت‌های شغلی ناشی از مصوبات اسلامی دیری نپایید که جای خود را به ۳۰ درصد آرای کسب مدارج عالی تحصیلی داد و بعدتر هم به ۶۵ درصد رسید، تا جایی که رژیم در صدد مهار کردن این نرخ رشد آموزشی برای زنان برآمد. امروز می‌توان مطابق تحقیقاتی که به عمل آمده، اذعان داشت که زنان ایران دست‌آوردهای نسبتاً کم نظیر را برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران کسب کرده‌اند. پرفروش‌ترین کتاب، فیلم و جوایز بین‌المللی را از آن خود کردند. با ارتقای سطح جنبش‌شان رده شعور عمومی را هم بالا بردند بسیاری از مفاهیم و عبارات حیطة مبارزه زنان را از تابو درآوردند و در یک کلام و به حق در دمکراتیزه کردن فضای سیاسی ایران نقش داشته‌اند. اما از دیگر رو کماکان با حاکمیت و قوانینی به غایت پوسیده روبرویند. برای تغییر در این قوانین هم راهکاری نوین جستند و با طرح راه اندازی "کمپین یک میلیون امضا" در این راه به تلاشی پیگیرانه دست زدند. چنانچه همه شاهدیم با این ابتکار توده‌ای توجه محافل بین‌المللی و بشردوستان را به طور گسترده‌ای به موقعیت محرومیت زده زنان ایران جلب کردند. در یک کلام سرکوبها همواره نشان داده که مقاومت این نیروی اجتماعی و پرقدرت در جامعه ایران که در تناقض رشد معنوی زنان و حاکمیت قوانین قرون میانه در کشاکش است، همچنان برای کسب سنگرهای بیشتری از موفقیت ادامه دارد.

س: اوج فعالیت‌های زنان در زمان اصلاحات شروع می‌شود. آیا دلیل این امر رای دادن آنها به خاتمی بود؟ یا نه می‌توان گفت خواستهای فروخورده زنان در طول سالها آنها را وادار به این فعالیت‌ها کرد تا در معادلات سیاسی درون حکومت خود را شریک بدانند و از همین راه به خواستهای خود برسند؟

بهمنی: بیشتر گفتم که زنان تحصیل را جایگزین خانه نشینی کردند. و نتایج این پروسه در دوره خاتمی شاید بیشتر خود را نشان داد. طبعاً نیل به موقعیت‌های سیاسی و اتخاذ قدرت خود نیز یک انگیزه و هم یکی از پیامدها و نتایج موفقیت‌های اجتماعی و علمی است.

س: در چهار سال اول ریاست جمهوری احمدی نژاد متاسفانه شرایطی بدتر از گذشته برای زنان فراهم آمد، اما زنان با وجود این که مانند قشرهای دیگر جامعه می‌دانستند که احمدی نژاد فرد منتصب حکومت است در تشکلی به نام "همگرایی جنبش زنان" برای طرح مطالبات خود، حضور خود را نشان دادند. چرا؟

بهمنی: من فکر نمی‌کنم که این زنان تصور و انتظار حل مشکلاتشان را از این طریق دنبال می‌کردند. بل این روش هم یکی از طرق مسالمت آمیز رودررویی با سیستم مردسالار و مذهبی بود. آنهم در آن ایام که رقابت‌های درونی کمابیش مجال عرض اندامهایی را برای نگفته‌های جنبش زنان فراهم می‌نمود. آنان از راه رسانه‌های جمعی و کمتر سانسور شده چهره‌ای از ظلم موجود را به تصویر کشیدند و تا حدی همبستگی‌شان را در مقابله با وضع ناهنجار و ستم بار کنونی به نمایش گذاشتند.

س: بحران مشروعیت دولت احمدی نژاد را وادار کرد که همسویی به خواستهای جامعه‌حدا اگر در شعار هم باشد، تن در دهد. انتخاب کابینه‌ای جوان و حضور سه زن در کابینه پیشنهادی به مجلس، آیا این به معنای تحقق خواسته‌های زنان از دولت دهم است؟

بهمنی: نه، به هیچ وجه. مسئله وجود یک زن در کابینه جنبه صوری مسئله است. اما در محتوا کمکی به امر پیشرفت خواستهای زنان نخواهد کرد. جوان بودن و یا زن بودن به خودی خود معیار نواندیشی نیست. تازه اینان بعد از اتخاذ سمت، لااقل دو نفر از این دو وزیر زن با اعلام مواضعی نشان دادند که فکرآنها تنها حافظ منافع زنان نیستند و در این راستا کار نمی‌کنند بلکه از مردان مردسالارترند. همه این فعل و انفعالات یک بازی سیاسی است و پس. تغییر اساسی در جهت دمکراتیزه‌کردن و انسانی کردن اوضاع ابداً در چارچوب این نظام، آنهم با سرکردگی احمدی نژادها محال است.

س: جنبش زنان در کردستان را چگونه ارزیابی می‌کنید. با توجه به این که در کردستان سالهاست که احزاب اصیل و ریشه‌داری در منطقه روشنگری می‌کنند؟

بهمنی: جنبش زنان کردستان در طی سه دهه اخیر جنبش حمایتگر و نوآور بوده است. علیرغم سی سال سرکوب جمهوری اسلامی، از آنجایی که مبارزه مردم کرد بر خواستهای دمکراتیک و آزادیخواهانه مبتنی بوده است، همواره شرایط را برای نشو و نمای خواستهای مدنی و مدرن و از آن جمله شرایط مناسبتری برای فعالیت جنبش زنان فراهم کرده است. بخصوص که جامعه کردستان جامعه‌ای تحزب یافته و سیاسی است و این احزاب کمابیش تأثیر خود را بر روند سیاستهای جنبش آزادیخواهی کردستان داشته‌اند. در یک کلام با توجه به تمامی وجوه این مبارزه سی ساله و از جمله تلاش خود زنان کرد، هم اکنون ما با نیروی وسیعی از زنان تحصیل‌کرده و آگاه روبرویم. زن نویسنده، مبارز حقوق بشر، سیاستمدار، ادیب، شاعر و فعال مدنی از آن جمله‌اند. در زمینه مبارزات سراسری هم جنبش زنان کماکان فعالیت‌های موثری داشته‌اند. بسیاری از زنان تلاشگر و آزادیخواه کرد که به کمپین ۱ میلیون امضا پیوسته بودند هنوز در زندانهای رژیم به سر می‌برند.

س: پیام آخر شما برای جوانانی که تشنه آزادی و دمکراسی هستند و در زندان بزرگی به نام جمهوری اسلامی به سر می‌برند، چیست؟
بهمنی: تلاش در جهت کسب آگاهی، و مبارزه به هر شیوه و در هر سطح مقدور با روحیه‌ای همبسته و امید به آینده پیروزمند. **موجیم که آسودگی ما عدم ماست، ما زنده به آنیم که آرام نگیریم!**